

بررسی مولفه‌های آموزش عالی فراملی در آموزش عالی ایران

مهدی شریفی^۱

دکتر فریبا کریمی^۲

دکتر نرگس سعیدیان^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۰۶

چکیده

در طی سالیان اخیر بین المللی سازی آموزش عالی به یکی از هدف‌های اساسی سیاست‌گذاران آموزش عالی در سراسر جهان تبدیل شده است. گسترش شبکه جهانی اینترنت و توسعه مبتنی بر عقلانیت، درهم تنیده شدن اقتصادهای ملی و محاسن و مزایایی که بواسطه بین المللی سازی ایجاد می‌گردد، هر چه بیشتر از گذشته دانشگاه‌ها را جهت انعکاس و حرکت در جهت این تغییر به فعالیت واداشته و نیاز به اخذ سیاست‌های مناسب و راهبردهای بخردانه را ضروری می‌نماید. لذا هدف مقاله حاضر بررسی مولفه‌های آموزش عالی فراملی در آموزش عالی ایران بود. پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. جهت گردآوری داده‌ها و استخراج مضامین مرتبط تعداد ۴۰ مقاله و کتاب که در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ در پایگاه‌های علمی معتبر نمایه شده و همچنین برنامه استراتژیک ۱۰ دانشگاه برتر بین‌المللی که بر اساس نظام رده بندی دانشگاه‌ها بیشترین تعداد دانشجویان بین المللی را دارا بودند، بررسی گردید. مطابق نتایج تحلیل مضمون آموزش عالی فراملی سه مضمون فراگیر داشت. مضمون فراگیر ساختاری و سازمانی که دارای، ۶ مضمون سازمان دهنده و ۲۵ مضمون پایه بود. مضمون آموزشی و پژوهشی با ۴ مضمون سازمان دهنده و ۸ مضمون پایه و مضمون فرهنگی با دو مضمون سازمان دهنده و ۶ مضمون پایه شناسایی و ماتریس مضامین مرتبط ترسیم گردید.

کلید واژه‌ها: آموزش عالی، بین المللی سازی آموزش عالی، آموزش عالی فراملی.

^۱ . دانشجوی دوره دکتری مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران.

^۲ . هیات علمی گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران (نویسنده مسئول)

Faribakarimi2005@yahoo.com

^۳ . هیات علمی گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران.

مقدمه

جهانی شدن^۱ به مجموعه دگرگونی‌هایی اطلاق می‌گردد که سیاست، اقتصاد، علم، فرهنگ و حتی شیوه‌های زندگی افراد در سرتاسر جهان را دچار دگرگونی نموده است (هادزیک^۲، ۲۰۱۵). در عصر جهانی شدن تولید و توزیع علم و دانش به عنوان رسالت اصلی آموزش عالی، فعالیتی جهانی است و آموزش عالی پیش‌قراول نهادهای دیگر در حرکت به سمت جهانی شدن به شمار می‌رود (نایت^۳، ۱۹۹۷). نایت (۲۰۰۶) تعریف جامعی از بین‌المللی شدن ارائه می‌دهد و آن را به عنوان "تلفیق بعد بین‌المللی، بین‌فرهنگی و جهانی عملکردهای آموزش عالی تعریف می‌کند. جهانی شدن اثرات گسترده و عمیقی بر ساختار، روش‌ها، برنامه‌ها و عملکرد آموزش عالی داشته است که گسترش بازار آموزش عالی و امکان دست‌یابی بیشتر به آموزش عالی، پذیرش دانشگاه به مثابه یک صنعت بین‌المللی، اعتبار بخشیدن بین‌المللی دانشگاه‌ها، افزایش دانشجویان خارجی و همچنین تربیت افرادی با شایستگی‌های میان‌فرهنگی، دارای تفکر انتقادی و توانایی مواجهه و حل مسایل پیچیده‌ی روز از جمله مهمترین این اثرات هستند (اباصلت و زمانی منش، ۱۳۹۱؛ واجارگاه و همکاران، ۱۳۹۱). همگام با این تغییرات، موسسات آموزش عالی جهت‌آرایه پاسخی درخور به چالش‌ها، فشارها و فرصت‌های فرارویی که بر اثر جهانی شدن به‌وجود آمده است، در تلاشند تا هر چه بیشتر شرایط را برای مواجهه با این تغییرات و بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن فراهم آورند (لیوتارد^۴، ۱۹۸۴). در چند دهه اخیر "بین‌المللی شدن" جایگاه مهمی در فرهنگ‌واژگان آموزش عالی پیدا نموده و به عنوان روند جهانی اساسی نقش موثری در توجه بیش از پیش به نقش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آموزش عالی داشته است (کیموتیچلر، ۲۰۰۸؛ بارنت^۵، ۲۰۱۳). با این حال آموزش عالی بین‌المللی مفهوم جدیدی نیست و ریشه‌های آنرا می‌توان به هزاران سال پیش و هم‌زمان با تاسیس مراکز یادگیری آن زمان دانست. این مراکز و در میان آنها مدارس مکتب کنفوسیوس در چین (قرن ششم پیش از میلاد)، آکادمی افلاطون آتن (قرن پنجم پیش از میلاد)، کتابخانه‌ی اسکندریه (قرن چهارم پیش از میلاد)، آکادمی جندی شاپور در ایران (قرن سوم)، نالاندا در هند (قرن پنجم) و رنسانس

1. Globalization

2. Hudzik

3. Knight

4. Lyotard

5. Barnett

ایتالیا (قرن چهاردهم) مراکز فکری و رسمی آن زمان بودند که وجهه بین المللی داشتند (دوویت^۱، ۲۰۱۲؛ نایت، ۲۰۱۱؛ ردن^۲، ۲۰۱۱؛ مارن و فاسکت^۳، ۲۰۱۰)؛ بر این اساس بنا به گفته تیچلر^۴ (۲۰۰۹) و بارنت (۲۰۱۳) فعالیت های حال حاضر در حوزه ی بین المللی شدن آموزش عالی را می توان بین المللی شدن مجدد نامید.

تیلور^۵ (۲۰۰۴) آموزش عالی فراملی را به عنوان هر گونه تلاش با هدف پاسخگویی آموزش عالی در برابر شرایط متغیر و چالش های موجود بر اثر جهانی شدن جوامع، اقتصاد و بازار کار می داند. اسکات^۱ (۱۹۹۸) آن را در چهار بعد شامل تبادل دانشجویان، تبادل محققان و اساتید، همکاری های بین المللی و جریان تبادل افکار و ایده ها تعریف می کند. کیانگ^۶ (۲۰۰۳) بین المللی شدن را به عنوان یکی از راه های پاسخگویی کشورها به تاثیرات جهانی شدن با توجه به ویژگی های مختص هر کشور توصیف و از چهار منظر در مورد اهمیت توجه به بین المللی شدن توسط دانشگاه نام می برد که عبارت است از: دلایل سیاسی (چون منجر به تامین امنیت و صلح می گردد)، آکادمیکی (جهت دستیابی به استانداردهای آموزشی و علمی) اجتماعی و فرهنگی (چون یکسان سازی اثرات جهانی سازی نیازمند احترام و فرهنگ و زبان هاست) و اقتصادی (چون از یک طرف موجب توسعه ی سرمایه ی انسانی یک ملت است و از طرف دیگر درآمدزایی از طریق دانشجویان بین المللی را به همراه دارد). مطابق نظر بوزمن^۸ (۲۰۰۹) و نایت (۲۰۰۸) توسعه آموزش عالی فراملی و گسترش همکاری های بین موسسات آموزشی در سرتاسر دنیا موجب تقویت وجهه دانشگاهی، رقابت در محیط جهانی آموزش عالی و سودآوری به واسطه دستیابی به منابع مالی مشترک است. در این بین مدیران آموزش عالی در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه در رقابت گسترده ای با یکدیگر قرار دارند و تلاش دارند که از طریق بین المللی نمودن موسسات آموزش عالی خود، به دانشجویان در کسب دانش جدید، مهارت ها و تجارب مفید جهت احراز صلاحیت و آرایه توانایی هایشان در بازار کار جهانی مدد رسانده و از مزایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز سیاسی

1. De Wit

2. Redden's

3. Maringe&Foskett

4. Teichler

5. Taylor

6. Scott

7. Qiang

8. Bozeman

فراملی نمودن موسسات آموزش عالی خود، بهره مند گردند (باندوریس، ۲۰۰۷). هم اکنون موضوع بین المللی شدن تا اندازه ای با اهمیت شمرده می شود که عده ای چون اسلاتر و لسلی (۱۹۹۷) از آن با اصطلاح سرمایه داری علمی - آکادمیکی نام می برند که از آن طریق موسسات آموزش عالی جهت روبه رو شدن با چالش هایی نظیر کاهش تعداد دانش آموزان متقاضی ورود به دانشگاه در کشورهای غربی و اهمیت رقابت برای جذب دانش آموزان بیشتر (لنینگتون، ۱۹۹۶)، فشار دولتها جهت مشارکت بیشتر موسسات آموزش عالی در اداره ی موسسات (شاتووک، ۲۰۱۰) و کاهش دسترسی به منابع مالی (ویرا^۱، ۲۰۰۴؛ تیلور و همکاران، ۲۰۱۰) می توانند در پیش گیرند (اسمیت، ۲۰۱۳). اما از یک سو ایفای نقش بین المللی مستلزم تعامل، همکاری و تعاون بین المللی در فعالیت ها و برنامه های آموزشی و علمی برای مشارکت در تولید علم در جهان است. از سوی دیگر فقدانیک فهم کلی و جامع در خصوص بین المللی شدن آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه، همیشه به عنوان یک عامل مهم در نبود توسعه فراگیر این فرایند قلمداد گردیده است (بروس^۲، ۲۰۰۹). به گفته ی پژوهشگرانی چوننایت (۱۹۹۴)، شرومن (۱۹۹۹)، هورن و همکاران (۲۰۰۷) بین المللی شدن به لحاظ تغییر در ساختار دانشگاه ها، تغییر در ارزش های مورد قبول کارکنان و اعضاء هیأت علمی، تمرکززدایی در دانشگاه ها، تاکید بر اهداف بلند مدت بین المللی همسو با اهداف محلی و منطقه ای و همچنین نبود استراتژی های خاص هر کشور به دلیل محدودیت شناخت مولفه های تاثیر گذار بر گسترش آموزش عالی فراملی با چالش های عمده ای مواجه است (اسلتوگ^۳، ۲۰۱۲)؛ لذا برای پرهیز از مواجهه با بحران های غیر قابل پیش بینی و حل برخی مشکلات موجود در راه اثربخش تر کردن آموزش عالی، در زمینه بازنگری نقش ها و وظایف دانشگاه ها باید اقدامات اساسی در این زمینه صورت گیرد. در این ارتباط دانشگاه ها باید ضمن بازنگری در وظایف خود، چالش های فراسو را مجدد تبیین نموده و سپس به سوی نهادینه نمودن آن با برنامه های عملی و امکان پذیر گام بردارند چرا که نبود فهم پیش نیازهای لازم موجب می شود که بحران های تجربه نشده ولی حتمی پیش روی دانشگاه ها قرار گیرد (سه دو^۴، ۲۰۰۲).

1. Vaira

2. Brouc

3. Sleuthing

4. Seddoh

از نظر باند^۱ (۲۰۰۶) مهمترین عامل در توسعه آموزش عالی فراملی شناخت فرهنگ سازمانی و تغییر در آن است چرا که در درجه اول شناخت فرهنگ یک مجموعه به منظور مدیریت و رهبری اثربخش آن ضروری است و داشتن دانش کافی و وسیع در باره ی مسائل فرهنگی در هر مجموعه یا سازمان از جمله الزامات مدیریت و رهبری آن است.

مطابق با پژوهش شانتی^۲ (۲۰۱۰) عوامل موفقیت در بین المللی نمودن آموزش عالی عبارت از: سیاست سازمانی، ساختار سازمانی، سیاست های اتخاذ شده از جانب دولت ها، مدیریت و رهبری، پشتیبانی اداری، پشتیبانی مالی، دانش، منابع انسانی و به رسمیت شناختن آن در فرایند بین المللی شدن، یکپارچه سازی فن آوری، اخلاق بین المللی و نوآوری می باشد. نتایج پژوهش ویرا^۳ (۲۰۰۴) نشان دهنده آن است که چنانچه ساختار سازمانی، موسسات آموزش عالی از مطلوبیت لازم برخوردار باشد، به واسطه ی ایجاد فضای مبتنی بر انعطاف در قوانین، مشارکت در تصمیم گیری و نبود تمرکز تصمیم گیری موجب ایجاد حس توانمندی و بروز اختیار توأم با مسئولیت، خود فرمانی و ایجاد امنیت در اعضای سازمان، شده و ضمن بالا بردن قدرت پاسخ گویی سازمان، موجب انسجام سازمانی، اثر بخشی، ارتقای عملکرد و توانمندی سازمان خواهد گردید. نتایج پژوهش های بروکفیلد^۴ (۲۰۰۷) نیز حاکی از آن است که با توجه به گوناگونی افراد از جمله مدیران، اعضاء هیات علمی، پژوهشگران، همکاران تحقیقاتی، دانشجویان و کارکنان در فرایند بین المللی شدن آموزش عالی، نیاز به همکاری و هم افزایی هر چه بیشتر احساس می گردد. از دیدگاه تیرنی^۵ (۱۹۹۸) ارتباطات یکی از عناصر مهم فرهنگی است که می تواند به تسریع یا کند شدن روند یادگیری سازمانی منجر شود. به اعتقاد او ارتباطات خوب نوشاروی تمام دردهای سازمان نیست، اما ارتباطات ضعیف و بد سم مهلک نوآوری است. مطالعه ی هوانگ و لین^۵ (۲۰۰۷) در راستای بین المللی سازی آموزش عالی تایوان نشانگر آن هستند که هدف اولیه و اصلی برای بین المللی سازی در تایوان، آماده سازی زمینه های سازمانی و اتخاذ نگرش سیستمی برای درک واقعیت های یک دنیای به هم وابسته است.

1. Bond

2. Shantti

3. Bookfield

4. Tierney

5. Huang & lin

خراسانی و زمانی منش (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی راهبردهای مؤثر در بین المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران پرداختند. هدف این مطالعه بررسی نقش راهبردهای ارتباطی، سیاسی، خدماتی و دانشگاهی در بین المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی بر حسب جنسیت و مرتبه‌ی دانشگاهی بود. بر اساس نتیجه پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، استفاده از راهبردهای ارتباطی، سیاسی، خدماتی و دانشگاهی نقش مؤثری در بین المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور دارد.

ذاکرحاجی و صالحی نجف آبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی به ارائه راهبردهایی برای جذب دانشجویان خارجی در ایران اقدام نمودند. یافته‌های این مطالعه بیانگر اولویت تمرکز بر رقابت منطقه‌ای (در مقابل خط شکنی در عرصه‌ی جهانی و همچنین حفظ وضع موجود) با تمرکز بر محوریت پژوهش و فناوری در جذب دانشجویان خارجی است. عصاره و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان "بررسی موانع بین المللی سازی برنامه‌های درسی دانشگاه‌های آزاد" انجام دادند. نتیجه این پژوهش، حاکی از آن است که از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد، مشکلات فرهنگی، مالی، تجهیزاتی، مدیریتی سیاسی، روش‌های تدریس و ساختاری از موانع بین المللی سازی برنامه‌های درسی این دانشگاه است.

سیاه (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "بین المللی شدن آموزش عالی در ایران: مطالعه‌ی موردی" چالش‌های پیش روی بین المللی شدن آموزش عالی را نیز در گروه‌های زیردسته بندی می‌کند که عبارتند از: نبود تمایل سیاسی واقعی برای بین المللی شدن و نظام آموزشی بسیار متمرکز، ساختارهای بوروکراتیک و غیرمنعطف دانشگاهی، اعتماد زیاد بر روش‌های تدریس سنتی، منابع مالی ناکافی، تسهیلات و ساختار فرسوده و نامناسب، نبود توانایی در استفاده از زبان‌های شناخته شده بین المللی (مانند انگلیسی)، مدیریت ضعیف و وجود حوزه‌های تحصیلی به شدت سیاسی. خلاصه‌ی پژوهش‌های انجام شده توسط محققان در ارتباط با عناصر بین المللی شدن آموزش عالی در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول (۱). خلاصه پژوهش های انجام شده توسط محققان

محقق	عناصر بین المللی شدن آموزش عالی
هراری (۱۹۸۹)	توسعه برنامه درسی، تبادلات بین المللی، برنامه ریزی استراتژیک، حمایت داخلی، تعهد مدیران
اوداس (۱۹۹۱)	تلفیق بین المللی شدن در برنامه درسی، ارایه سیاست ها و خط مشی ها، برنامه ریزی بلند مدت، کانال های ارتباطی رسمی و غیر رسمی
اکتر (۱۹۹۲)	برنامه درسی، زبان خارجی، تبادل دانشجویان، خدمات عمومی، همکاری های علمی
نورفیت و ویلکاکس (۱۹۹۲)	جذب دانشجویان خارجی، خلق آگاهی جهانی، برنامه درسی بین المللی، تبادل دانشجو، تعهد به بین المللی شدن، رهبری و مدیریت
اسکات (۱۹۹۲)	تلفیق در برنامه درسی، فعالیت های فوق برنامه، شرکای خارجی، پیوند زمینه های فرهنگی و بین المللی، بیان اهداف، برنامه ریزی مالی، حمایت دولتی، توسعه برنامه درسی
فرانسیس (۱۹۹۳)	برنامه درسی، توسعه کارکنان، دانشجویان بین المللی، همکاری های بین المللی، اولویت دادن به فرایند بین المللی شدن، تعهد بلند مدت، دسترسی به منابع، برنامه استراتژیک و ارزیابی
نایت (۱۹۹۴)	تبادل دانشجویان، نوآوری درسی، تبادل برنامه و کارکنان، همکاری های بین المللی، تعهد مدیران موسسات، حمایت مالی کافی، تشویق کارکنان و دانشجویان، زبان خارجی
جکسون (۲۰۰۸)	تبادل استاد و دانشجو، تحصیل و اقامت در خارج، آموزش ضمن خدمت در خارج از کشور، برنامه های درسی جهانی شده، مطالعات فرهنگی و منطقه ای، آموزش زبان خارجی
بروس (۲۰۰۹)	رهبری حرفه ای، ساختار سازمانی منسجم، وجود پرسنل توانمند، فعالیت های بین المللی
هارد (۲۰۱۰)	حمایت موسسه ای، قوانین آموزشی، برنامه ها و فعالیت های فوق برنامه، فرصت های اعضای هیات علمی
خراسانی و زمانی منش (۱۳۹۱)	راهبرد سیاسی، راهبرد ارتباطی، راهبرد خدماتی، راهبرد دانشگاهی

با توجه به موارد فوق الذکر، نظام آموزش عالی در ایران به منظور هم گرایی با این حرکت جهانی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ ناگزیر از توجه و تاکید به بین المللی نمودن موسسات آموزش عالی است. به نظر می رسد علی رغم تحولات چشمگیری که در آموزش عالی کشور به وجود آمده است، ما همچنان فاصله زیادی با نظام های پیشرفته ی آموزش عالی جهان داریم و ناگزیر باید فاصله خود را با نظام های آموزشی جهان کمتر سازیم تا امکان بیشتر برای تعامل و ارتباط و مبادله با آنها را به دست آوریم. هر چند در سال های اخیر ارتباطات علمی بین المللی کشور در حال گسترش بوده است اما در مقایسه با نیازهای کشور و سرعت "بین المللی شدن" آموزش عالی و علم در سطح جهان، ما نیازمند اتخاذ سیاست ها و خط مشی هایی متناسب با وضع کنونی جهان و نیازهای کشور هستیم. در این زمینه تغییر نگرش از "اقتباس و اخذ" دانش و سیاست گذاری بر مبنای ارتقای

"مشارکت" علمی کشور در روند جهانی تولید علم بسیار ضروری است چرا که مطابق نظر هادزیک (۲۰۱۱) تنها آمار تبادل دانشجویان بین المللی برای فهم پدیده‌ی بین المللی شدن کافی به نظر نمی‌رسد و این چنین آمارهایی باید به عنوان نقطه‌ی شروع به نظر رسیده و عوامل دیگری باید مدنظر گرفته شود. حال مسأله اساسی که مطرح می‌گردد این است که چگونه بین المللی شدن آموزش عالی می‌تواند عملیاتی گردد و چرا بسیاری از پروژه‌های بین المللی شدن با شکست مواجه شده و استراتژی‌ها و اهداف از قبل مشخص شده، تنها بر روی کاغذ باقی و اجرایی نمی‌گردند. ضروری است موسسات آموزش عالی در چرخه‌ی بین المللی شدن باید قبل از عملیاتی نمودن فرایند بین المللی شدن موسسات خود، اهداف، پیش نیازها، رویه‌ها و شیوه‌های این فرایند را بشناسند. لذا مسأله اصلی مقاله‌ی حاضر این است که مولفه‌های اصلی گسترش آموزش عالی فراملی کدامند؟ در این ارتباط تلاش گردید تا با توجه به ادبیات موجود و با استفاده از روش تحلیل مضمون مولفه‌های اساسی آموزش عالی فراملی مورد کنذوکاو قرار گرفته، ماتریس مضامین مورد نظر ترسیم و پیوند هر یک از مقوله‌ها با یکدیگر تشریح گردد.

روش شناسی پژوهش

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، اکتشافی بوده لذا نوع استراتژی تحقیق مناسب برای بررسی و تحقیق این پژوهش، استراتژی تحقیق کیفی است. جستجو بر اساس مسأله اصلی تحقیق صورت گرفت و در این ارتباط پس از جستجوهای اولیه تعداد ۴۰ مقاله که دارای بیشترین ارتباط با موضوع مورد پژوهش بودند و همچنین برنامه استراتژیک ۱۰ دانشگاه برتر بین المللی که بر اساس نظام رده بندی دانشگاه‌های جهان دارای بیشترین تعداد دانشجویان بین المللی بودند به عنوان حوزه پژوهش انتخاب شد. در انتخاب مقالات مورد نظر از کوشش گردید تا معیار جدید بودن، حاصل کار افراد صاحب نظر بودن و مرتبط بودن رعایت گردد. عنوان ژورنال، تعداد مقالات تحلیل شده همچنین ناشر مقالات در جدول ۲ نشان داده شده است.

¹. World University Rankings

جدول (۲). عنوان ژورنال، تعداد مقالات تحلیل شده و ناشر

ناشر	تعداد مقالات	عنوان ژورنال	ردیف
Routledge	۳	Higher Education Research & Development	۱
Routledge	۱	Teaching in Higher Education	۲
Routledge	۵	Journal of Higher Education Policy and Management	۳
Routledge	۲	Perspectives: Policy and Practice in Higher Education	۴
Routledge	۴	Comparative Education	۵
Routledge	۴	Journal of Marketing for Higher Education	۶
Routledge	۳	Quality in Higher Education	۷
Routledge	۲	European Journal of Higher Education	۸
Palgrave	۲	Higher education studies	۹
Springer	۴	Higher education	۱۰
Sage	۳	Policy Futures in Education	۱۱
Sage	۲	Studies in International Education	۱۲
دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)	۱	فصلنامه راهبردهای آموزش	۱۳
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار	۱	رهبری و مدیریت آموزشی	۱۴
پژوهشکده تحقیقات راهبردی	۱	راهبرد اجتماعی فرهنگی	۱۵
دانشگاه شهید بهشتی	۱	دو فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی	۱۶

تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت گرفت. مضمون، مبین اطلاعات مهمی درباره ی داده ها و سوالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه ای از داده ها را نشان می دهد (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). مضمون الگویی است که در داده ها یافت می شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه هایی از پدیده می پردازد (بویاتزیس^۳، ۱۹۹۸). تحلیل مضمون، یکی از روش های متن پژوهی است که بر اساس آن داده های متن کاهش یافته و بخش بندی، مقوله بندی و تلخیص می گردند. سپس به گونه ای سازمان دهی می شوند که مفاهیم موجود در درون مجموعه ای از داده ها استخراج گردد. تحلیل مضمون اساسا یک روش توصیفی است که جستجوی الگوهای موجود در متن را تسهیل می نماید. محصول تحلیل مضمون توصیف الگوهای موجود در متن و ارایه ی آنها در قالب یک روح کلان یکپارچه است. در

¹.Thematic Analysis

².Braun & Clarke

³.Boyatzis

این روش جهت بخش بندی و مقوله بندی داده‌ها از کدگذاری مضمونی استفاده می‌گردد. کدگذاری مضمونی یک فن کاهنده است که برخلاف فنون کدگذاری باز و محوری مرح در نظریه‌ی داده بنیاد، از طریق به‌کارگیری بینش‌های درست و جستارهای تحلیلی مناسب، داده‌ها را غنی و پیچیده می‌نماید (آیرس^۱، ۲۰۱۰). از سوی دیگر شناسایی مضمون یا الگوی مورد مطالعه در تحلیل مضمون معمولاً به دو شیوه صورت می‌گیرد: به روش استقرایی مبتنی بر داده یا روش قیاسی مبتنی بر نظریه^۲.

در پژوهش حاضر شناسایی مضامین بر اساس روش استقرایی صورت پذیرفته است. در روش استقرایی، فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده (یا قالب مضامین) صورت می‌گیرد و تحلیل مضمون بر اساس داده‌ها انجام می‌شود. فرایند تحلیل مضمون بر اساس الگوی شش مرحله‌ای بروان و کلارک (۲۰۰۶) صورت گرفت.

مرحله‌ی اول: آشنایی با داده‌ها: در این مرحله داده‌هایی که شامل مقالات جمع‌آوری شده مرتبط با موضوع بود در طی دو مرحله به طور کامل مطالعه و سپس مورد بازخوانی مجدد قرار گرفت به این ترتیب ایده‌های اولیه یادداشت برداری گردید. در این مرحله هم مضامین مشهود و هم مضامین پنهان و مکنون مورد توجه قرار گرفت. این مرحله به عنوان یک مرحله‌ی پایه و اساسی به شمار می‌رود چرا که پایه و اساس تجزیه و تحلیل‌ها در مراحل بعدی را فراهم می‌آورد.

مرحله‌ی دوم: ایجاد کدهای اولیه: در این مرحله متن به بخش‌های کوچکتر تفکیک شد، چارچوب کدگذاری تعیین و لیست اولیه ایده‌های اشکار و پنهان که از نظر پژوهشگر جالب توجه بودند مشخص و داده‌ها در گروه‌های معنادار سازماندهی گردید. در این مرحله کدگذاری با توجه به اینکه مبتنی بر داده باشند یا مبتنی بر نظریه انجام می‌گیرد. کدگذاری به صورت دستی و با دقت بسیار صورت گرفت به این صورت که کدها با ذکر منبعی که از آن استخراج شده بود بر کارت‌هایی که به-وسیله‌ی پژوهشگر از قبل آماده شده بود یادداشت برداری شد. در نهایت تعداد ۸۵۶ کد استخراج گردید.

مرحله‌ی سوم: جستجوی تم‌ها: بعد از اینکه کدهای اولیه مشخص گردید، محقق با لیست طولانی از کدهای مختلف روبه‌خواهد بود که در این مرحله این کدها دوباره سازماندهی و تحلیل شده و با

¹. Ayres

². Inductive (Data-driven) vs. Deductive (Theory-driven)

توجه به تفاوت‌هایی که دارند و به صورت مضمون‌های بالقوه مرتب می‌گردند. به عبارت دیگر کدهایی که در طی مرحله‌ی دوم مشخص شده بود، دوباره بازخوانی و مواردی که با یکدیگر شباهت داشتند در گروه‌های مشابه قرار داده شدند.

مرحله‌ی چهارم: مرور تم‌ها: این مرحله زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر یک مجموعه از مضامین را با توجه به انجام مراحل قبل در اختیار دارد. در این مرحله مجموعه‌ی گردآوری شده، مرور گردید، بعضی از مضمون‌ها حذف، تعدادی با هم ترکیب و تعدادی نیز به تم‌های جداگانه‌ی دیگری شکسته شدند. معیار قضاوت محقق در این مرحله همسانی درونی و معناداری همراه با انسجام در بین هر یک از مضمون‌ها بود با توجه به این نکته که تمایز روشنی بین هر یک از گروه‌ها وجود داشته باشد. این مرحله دستورالعمل روشنی ندارد و مرور، بازتعریف کدهای مضمون‌های نو و یا حذف و ترکیب برخی از آنها با یکدیگر تا زمانی که محقق احساس نماید که چیز قابل توجهی برای اضافه کردن نیست، ادامه می‌یابد. محقق در انتهای این مرحله بایستی آگاهی کافی از اینکه تم‌های مختلف کدام‌ها هستند، چگونگی تناسب آنها با یکدیگر، و کل داستانی که آنها درباره‌ها می‌گویند در اختیار داشته باشد. در نهایت در پایان این مرحله در ارتباط با هر دسته از کدها، مضمون پایه مشخص و به‌وسیله‌ی برچسب از یکدیگر جدا شد. همچنین مضامین پایه به صورت جداگانه دوباره یادداشت گردید.

مرحله‌ی پنجم: تعریف و نام‌گذاری تم‌ها: در این مرحله محقق باید مضمون‌های پایه اولیه را به صورت کلی تر و خوشه مانند در آورد به گونه‌ای که هر مضمون کلی و سطح بالاتر شامل چند مضمون جزئی تر باشد. لذا مضمون‌های پایه‌ای که در انتهای مرحله‌ی قبل بر برگه‌های جداگانه نوشته شده بود مورد بررسی مجدد قرار گرفته، خلاصه شده و خوشه‌هایی را تشکیل دادند، به عبارت دیگر مضامین اولیه به گونه‌ای با یکدیگر ترکیب شده و در یک گروه قرار گرفتند، به گونه‌ای که بتوان بین مضامین هر خوشه ارتباط معناداری را مشاهده نمود (مرحله‌ی ترکیب و گروه بندی مضامین چندین بار دستخوش تغییر شده تا در نهایت اطمینان لازم به جهت قرار گیری هر مضمون در خوشه‌ی مخصوص به خود حاصل گردید). در انتهای این مرحله محقق مضامین پایه، سازمان دهنده و اصلی تحلیل را مشخص و نام‌گذاری نمود تا مشخص گردد که هر مضمون بیان‌کننده‌ی چه چیزی هست. در نهایت مطابق نتایج تحلیل مضمون، سه مضمون فراگیر ساختاری و سازمانی که دارای، ۶ مضمون سازمان دهنده و ۲۵ مضمون پایه بود. مضمون آموزشی و پژوهشی با ۴

مضمون سازمان دهنده و ۸ مضمون پایه و مضمون فرهنگی با دو مضمون سازمان دهنده و ۶ مضمون پایه شناسایی گردید.

مرحله‌ی ششم: تهیه‌ی گزارش: بعد از اینکه مضامین نهایی آماده شد، در این مرحله گزارش تحلیلی صورت مختصر، منطقی و منسجم تدوین شد تا شواهد کافی و مناسب در باره‌ی مضامین موجود فراهم و داده‌های کافی برای هر مضمون عرضه گردد.

برای سنجش روایی تحقیق حاضر، علاوه بر اینکه مضمون‌های فراگیر، سازمان دهنده و اصلی و فرعی با مطالعه‌ی مبانی نظری، پیشینه‌ی تحقیق، اهداف تحقیق و منبع مورد بررسی انتخاب شدند، نظریات مطلعین حوزه‌ی آموزش عالی فراملی نیز در این خصوص لحاظ شده و قبل از کدگذاری، جرح و تعدیل نهایی به عمل آمد. در این تحقیق از روش هولستی برای محاسبه‌ی پایایی تحقیق استفاده شده است که فرمول آن به شرح زیر است:

$$PAO=2M/(n1+n2): (۸۱۹ \times 2 / (۸۵۶ + ۸۱۹)) = ۰/۹۷$$

که در آن "PAO" به معنی درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، و n1 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله‌ی اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله‌ی دوم است. این رقم میان صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. باتوجه به فرمول محاسبه ضریب پایایی، مقدار آن معادل ۹۷ درصد شد که نشان می‌دهد نتایج پژوهش از قابلیت اعتماد زیادی برخوردار است.

یافته‌ها

پس از بررسی ادبیات موضوع و مطالعه‌ی دقیق ادبیات حوزه‌ی آموزش عالی فراملی، مولفه‌های آموزش عالی فراملی در سه مولفه سازمانی، آموزشی و پژوهشی و فرهنگی در چند مضمون سازمان دهنده و چند پایه به دست آمد. نتایج حاصل در جداول (۲)، (۳) و (۴) آمده است. جدول (۲) مولفه‌های سازمانی آموزش عالی فراملی را نشان می‌دهد. این دسته بندی شامل یک مضمون اصلی (فراگیر) تحت عنوان استراتژی سازمانی، ۶ مضمون سطح دوم (سازمان دهنده) و ۲۵ مضمون پایه می‌باشد.

جدول (۳). مضمون فراگیر، سازمان دهنده، پایه و فراوانی مربوط به هر کدام

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه (فراوانی)
استراتژی سازمانی	اهداف و چشم اندازها	<ul style="list-style-type: none"> • بیان روشن اهداف در ارتباط با فرایند بین المللی شدن (۱۴) • همگام و هماهنگ سازی استراتژی های داخلی و فراملی موسسات داخلی (۹) • شناسایی نقاط قوت و ضعف موسسات آموزش عالی جهت حرکت به سمت بین المللی شدن (۸) • توسعه آموزش عالی به عنوان یک صنعت صادراتی (۱۶)
	زیر ساخت	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه ی تسهیلات و خدمات رفاهی برای دانشجویان (اسکان، ثبت نام، خوابگاه، بهداشت، بیمه، امنیت (۴۲) • تقویت زبان انگلیسی در بین کارکنان، اساتید و دانشجویان (۲۲) • توسعه امکانات و تسهیلات لازم در حوزه فناوری اطلاعات (۸) • تسهیل ورود و خروج محقق و دانشجوی خارجی (۲۰) • تسهیل و گسترش استخدام استادان بین المللی (۴) • ایجاد سیستم بازاریابی آموزش عالی (۱۷) • سیستم اطلاعات رسانی جامع (در ارتباط با آموزش عالی و زیر مجموعه های آن برای دانشجوی خارجی) (۱۱) • حمایت مالی مستمر از فرایند فراملی شدن دانشگاه (۱۹)
مدیریت و رهبری	<ul style="list-style-type: none"> • تعهد رهبران ارشد (۸) • یکپارچگی نهادهای تصمیم گیرنده در ارتباط با دانشگاهها (۸) • برداشتن موانع غیر ضروری اداری (۴) 	
ساختار سازمانی	<ul style="list-style-type: none"> • مقررات ذاتی و دموکراتیک بودن ساختار دانشگاه (ساختار سازمانی منعطف) (۱۸) • اعطای آزادی عمل به به دانشگاهها در زمینه جذب و گزینش دانشجو (۲۵) • تغییر در ساختار، قوانین و مقررات آموزشی (۲۵) • خصوصی سازی بیشتر و رقابتی نمودن دانشگاهها (۶) 	
منابع انسانی	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه مهارت ها و دانش کارکنان (۱۷) • توسعه سیاست های پاداش و ارتقاء برای تقویت اساتید و کارکنان (۹) • توسعه فرهنگ بین المللی شدن در بین کارکنان جهت تسهیل فرایند بین المللی شدن دانشگاه (۱۶) 	
کیفیت	<ul style="list-style-type: none"> • توجه به فلسفه استقرار سیستم مدیریت کیفیت (۱۶) • بهبود مداوم کیفیت خدمات (مدل های کیفیت) (۱۱) • برندسازی دانشگاهها (۱۶) 	

مولفه‌های آموزشی و پژوهشی آموزش عالی فراملی در جدول (۳) نمایش داده شده است. همانگونه که مشخص است مولفه آموزشی و پژوهشی به عنوان مولفه اصلی شامل، ۴ مضمون سطح دوم (سازمان دهنده) و ۸ مضمون پایه می‌باشد.

جدول (۴): مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه مرتبط با مولفه‌های آموزشی و پژوهشی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه (فراوانی)
مولفه‌های آموزشی و پژوهشی	دانشجو	<ul style="list-style-type: none"> تبادل دانشجویان با دانشگاه‌های سایر کشورها (۳۴) فعالیت‌های بین المللی دانشجویان (۲۸)
	اساتید	<ul style="list-style-type: none"> تبادل استاد با دانشگاه‌های سایر کشورها (۲۶) مشارکت در فعالیت‌های بین المللی (۴۰)
	فرایند تدریس و یادگیری	<ul style="list-style-type: none"> ارایه برنامه درسی بین المللی (۲۲) استفاده از شیوه‌های نوین یاددهی و یادگیری (۲۶)
	همکاری‌های بین المللی	<ul style="list-style-type: none"> شرکت دانشگاهها در رویدادهای بین المللی (همایش، کنفرانس، فستیوال) (۳۴) همکاری‌های بین دانشگاهی (۲۷)

مضامین مرتبط با مولفه‌ی فرهنگی آموزش عالی فراملی در جدول (۴) نشان داده شده است. همانگونه که در جدول (۴) مشخص است مولفه‌ی فرهنگی به عنوان مولفه‌ی اصلی شامل، ۲ مضمون سطح دوم (سازمان دهنده) و ۷ مضمون پایه می‌باشد.

جدول (۵): مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه مرتبط با مولفه‌ها فرهنگی آموزش عالی فراملی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضمون پایه
فرهنگ	فهم فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> رفع مرزهای دشوار فرهنگی و لزوم پذیرندگی فرهنگی دانشجوی خارجی در جامعه (۱۱)
		<ul style="list-style-type: none"> بردباری فرهنگی (به رسمیت شناختن فرهنگها و پرهیز از آموزش تنگ نظرانه (لزوم پذیرندگی فرهنگی) (۹)
		<ul style="list-style-type: none"> بین المللی نمودن محیط دانشگاه و کلاس درس (تشویق به تعامل بیشتر با دانشجویان خارجی) (۲۳)
		<ul style="list-style-type: none"> کمک به دانشجویان و استادان داخلی در رفتار و ارتباطات مناسب و موثر در موقعیت‌های بین فرهنگی (۱۷)
شوک فرهنگ آموزشی		<ul style="list-style-type: none"> تفاوت در شیوه‌های آموزش (۱۸)
		<ul style="list-style-type: none"> تفاوت در شیوه‌های ارزیابی (۲۳)

بحث و نتیجه گیری

از دهه‌ی پایانی قرن بیستم بین المللی شدن به موضوع مهم در آموزش عالی بدل گشت و به عنوان عصری که تاثیر اساسی بر روند آموزش عالی دارد شناخته شد و با تحولات کنونی برای دهه‌های آینده نیز باقی خواهد ماند (تیچلر، ۲۰۰۴). آموزش عالی فراملی ابزاری مناسبی جهت آماده کردن دانشجویان برای نقش‌های آینده در اقتصاد جهانی شده و تربیت شهروند جهانی از طریق برنامه درسی بین المللی، بهبود محیط یادگیری، تشویق دانشجویان و کارکنان به توسعه‌ی طرز تفکر جهانی و همچنین عامل توسعه و تفاهم بین ملت‌ها می‌باشد که هر چند با توجه به دیدگاه‌های مختلف تعاریف متفاوت ولی نزدیک به هم از آن شده است ولی بسیاری از کشورهای توسعه یافته، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ادعای جهانی شدن و بین المللی شدن دارند و خود را در کلاس جهانی شدن می‌بینند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناسایی مولفه‌های تاثیر گذار بر آموزش عالی فراملی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد بر این اساس کل حوزه پژوهش که شامل ۴۰ مورد مقالات من درج در پایگاه‌ها و وب سایت‌های معتبر علمی و همچنین برنامه استراتژیک ده دانشگاه برتر دنیا در حوزه آموزش عالی فراملی مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از روش تحلیل مضمون استقرایی - اکتشافی ۸۱۹ مضمون شناسایی گردید. سپس با تلخیص داده‌ها مضامین مشابه و تکراری در متن مقالات موردنظر که مرتبط با موضوع پژوهش بودند، با یکدیگر تلفیق و فراوانی آنها به دست آمد. در ادامه ماتریس مضامین ترسیم گردید. در نهایت دو دسته مولفه دسته مولفه‌های اصلی تحت عنوان ۱- مولفه‌های سازمانی یا مضامین سازمان دهنده: اهداف و چشم-اندازها، زیرساخت، ساختار سازمانی، منابع انسانی، مدیریت و رهبری، کیفیت؛ ۲- مولفه‌های آموزشی و پژوهشی با مضامین سازمان دهنده: دانشجو، اساتید، فرایند تدریس و یادگیری، همکاری‌های بین المللی شناسایی شد.

مضمون سازمان دهنده اهداف و چشم اندازها شامل مضامین پایه:

۱- بیان واضح و روشن اهداف در ارتباط با فرایند بین‌المللی شدن، ۲- همگام و هماهنگ‌سازی استراتژی‌های داخلی و فراملی موسسات داخلی، ۳- شناسایی نقاط قوت و ضعف موسسات آموزش عالی جهت حرکت به سمت بین‌المللی شدن؛ ۴- توسعه آموزش عالی فراملی به عنوان یک صنعت صادراتی بود. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های نایت (۱۹۹۴)، شانتی (۲۰۱۰)، سیاه (۲۰۰۹)، هراری (۱۹۸۹) و اوداس (۱۹۹۱) همخوان است. چشم انداز آموزش عالی فراملی باید خلاصه، مطلوب و

ایده آل مناسب را به تصویر کشیده و همه سطوح را در نظر گیرد. با توجه به اینکه تنها داشتن ایده‌های بزرگ و فراهم آوردن استراتژی‌های گوناگون همراه با اسناد و مدارک، مادامی که این استراتژی‌ها در سازمان اجرایی نگردد، ارزش چندانی ندارد، در تعیین چشم انداز مناسب آموزش عالی فراملی مهم است که موسسات آموزش عالی ابتدا وضع آینده را طراحی کنند و بعد وضع فعلی را بررسی نمایند و در حقیقت اصالت را به وضع آینده دهند (لی^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). به این صورت اینگونه موسسات از تغییری بهره می‌برند که به آن تغییر تحول آفرین گویند چرا که حرکت به سمت فراملی شدن بیشتر از یک تغییر ساده و مستلزم تحول در زیر ساخت‌ها، اهداف و مأموریت هاست. لذا در ارتباط با دیدگاهی که نسبت به آینده‌ی موسسه داریم باید چشم انداز مناسب خلق، تبیین و الگوسازی آن صورت گرفته و تعهد لازم نسبت به اجرای چشم انداز ارایه گردد.

مضمون سازمان دهنده زیرساخت شامل مضامین پایه:

۱- توسعه حمایت مالی، تسهیلات و خدمات رفاهی برای دانشجویان، ۲- تقویت زبان انگلیسی در بین کارکنان، اساتید و دانشجویان، ۳- توسعه امکانات و تسهیلات لازم در حوزه فناوری اطلاعات، ۴- تسهیل ورود و خروج محقق و دانشجوی خارجی، ۵- تسهیل و گسترش استخدام استادان بین-المللی، ۶- ایجاد سیستم بازاریابی آموزش عالی، ۷- سیستم اطلاع‌رسانی جامع (در ارتباط با آموزش عالی و زیر مجموعه‌های آن)، ۸- حمایت مالی مستمر و پایدار از فرایند فراملی شدن دانشگاه بود. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های خراسانی و زمانی منش (۱۳۹۱)، آنگر (۱۹۹۲) و سیاه (۲۰۰۹) همخوان است. توسعه‌ی آموزش عالی فراملی نیازمند ارایه‌ی پیش نیازهای مخصوص به خود است. در وهله‌ی اول باید موسسه یا دانشگاه مورد نظر از منظر مالی توانایی لازم برای توسعه‌ی فرایندهای دانشگاه، ایجاد و استقرار سیستم‌های آموزشی و خدماتی کیفی، ایجاد سیستم‌های ارزیابی و دیگر موارد مورد نیاز را داشته باشد. بهترین اهداف و استراتژی‌ها هیچ گاه نمی‌توانند بدون حمایت و پشتیبانی مالی اجرایی گردند و تنها در حد مصوبات بر کاغذ باقی خواهند ماند. از سوی دیگر موسسات کوچکتر کمتر می‌توانند بین المللی شدن را اجرایی نمایند و عملکرد این موسسات به هنگام ارایه‌ی فعالیت‌های بین المللی تا حدود زیادی دستخوش کاهش می‌گردد. این موسسات هنگامی که در سرمایه گذاری‌های بین المللی مشارکت می‌کنند، مشکلات بیشتری را تجربه می‌نمایند. به همین ترتیب موسسات آموزش عالی بزرگتر راحت‌تر می‌توانند فرایند بین المللی شدن را

¹.Lee

اجرایی نمایند چرا که منابع بیشتری را در اختیار دارند. در این خصوص توجه لازم در زمینه ارایه امکانات و تسهیلات رفاهی چون ایجاد خوابگاه‌ها، سالن‌های ورزشی، ایجاد مکان‌هایی جهت گذران اوقات فراغت دانشجویان، کتابخانه‌های بزرگ و مجهز که به صورت شبانه روزی به دانشجویان خدمات ارایه نمایند، باید از طرف دانشگاه و موسسه مقصد برای دانشجویان مد نظر قرار گیرد. از طرفی دیگر دانشجویان بین المللی باید بتوانند آزادانه و بدون معطلی از کشور خارج یا به آن وارد شوند و این مساله نیازمند تصمیم موسسه مقصد و همچنین رایزنی‌های سیاسی است که دانشجویان در گیر و دار بوروکراسی اداری اخذ ویزا و روادید گرفتار نگردند. چرا که سختی دریافت روادید یک کشور تا حد زیادی می‌تواند موجبات ناامیدی دانشجویان را فراهم آورد و علی‌رغم شهرت موسسه‌ی مقصد دانشجویان شانس خود را برای دیگر دانشگاه‌ها امتحان نمایند. به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های عمده‌ی دانشجویان و دانشگاه‌ها در فرایند فراملی شدن موسسات آموزش عالی موضوع آموزش زبان انگلیسی به دانشجویان و اعضا هیات علمی دانشگاه است. این مساله برای دانشجویانی که به کشورهای غیر انگلیسی زبان جهت ادامه تحصیل عزیمت می‌نمایند و همچنین برای دانشجویانی که انگلیسی زبان دوم آنها می‌باشد مشکلاتی چند را فراهم می‌آورد. در فرایند بین المللی شدن بر ارایه دروس دانشگاهی به زبان انگلیسی تاکید زیادی می‌گردد (اسمیت، ۲۰۱۳). به این دلیل که بین کارکنان و دانشجویان بین المللی، اغلب معانی فرهنگی متفاوت است، اعمال اجتماعی متفاوت است، دانشجویان تجارب قبلی متفاوت دارند جای تعجب نیست، برخی از کارکنان در فرایند بین المللی شدن به دلیل نبود آشنایی کافی و مناسب با زبان انگلیسی؛ احساس کند که به حاشیه رانده شده، در شیوه‌های ارزیابی برنامه درسی و همچنین در تصمیم گیری‌ها نفوذ کمی دارند و در نهایت به جای توسعه‌ی خود و ارایه‌ی یک راه حل کارآمد، در برابر فرایند بین المللی شدن حالت دفاعی به خود بگیرند. رابسون^۱ (۲۰۱۱) اشاره می‌کند که اساتیدی که به زبان انگلیسی تسلط ندارند و یا در مراودات خود با دانشجویان بین المللی دچار مشکل هستند معمولاً احساس کم ارزشی نموده و تصور می‌کنند که به حاشیه رانده شده و در تصمیم گیری راجع به برنامه‌ی درسی و سایر موارد مرتبط نفوذ کمی دارند. لذا تسلط بر زبان دوم به عنوان یکی از جنبه‌های مهم توسعه منابع انسانی و همچنین یکی از ابزارهای اساسی توسعه‌ی فراملی دانشگاه، قلمداد می‌گردد.

¹.Robson

مضمون سازمان دهنده مدیریت و رهبری شامل مضمون پایه:

۱- تعهد مدیران ارشد به حمایت از فرایند فراملی شدن ۲- یکپارچگی نهادهای تصمیم گیرنده در ارتباط با دانشگاه‌ها ۳- برداشتن موانع غیر ضروری اداری دانشگاه‌ها. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های نایت (۲۰۰۳) و لینچ (۲۰۰۹) همخوان است. بنا به نظر نایت (۲۰۰۳) بین المللی شدن یک پروسه‌ی تغییر سازمانی و یک چالش مهم مدیریتی است که بهبود استراتژی‌های یادگیری، فعالیت‌های حمایتی از دانشجویان، کارکنان و تحقیقات و همچنین توسعه‌ی کارکنان را شامل می‌شود. در این راستا، ساختار سازمانی جهت دست یابی به اهداف باید با اهداف سازمانی در یک راستا قرار گرفته (لینچ^۱، ۲۰۰۹) و این تغییر در ساختار نه تنها در سطح مدیران بلکه باید در سطح فرهنگ دانشگاه و یا موسسه صورت گیرد (وودفیلد و کنی^۲، ۲۰۰۷). رهبری موفق موضوع بین المللی شدن، نیازمند ارتباط با کارکنان و سایر ذی نفعان و همچنین ارزش نهادن به آن، تقویت استراتژی‌ها و همچنین تلاش در جهت آگاه نمودن کارکنان و اعضا هیات علمی و سایر گروه‌های درگیر، از مزایای بین المللی شدن است. یک رهبر موفق بین المللی شدن باید قادر به تعیین رویکردهای جهت مدیریت تغییر موسسه خود باشد. تحمیل تغییر از بالا به پایین می‌تواند در انجام امور معمول و روتین دانشگاه موفقیت آمیز باشد، بنابراین کارکنان واکنش خودسرانه کمتری در این نوع رویکرد از خود نشان می‌دهند. ولی به هر صورت با توجه به اینکه فرایند بین المللی شدن یک پروسه‌ی طولانی مدت است و مستلزم توسعه‌ی نیروی انسانی سازمان و همچنین مشارکت هر چه بیشتر ایشان زمینه‌ی موفقیت پروژه را بیشتر فراهم می‌آورد، لذا استفاده از رویکرد پایین به بالا در مواقعی می‌تواند مفید فایده واقع گردد (مارشال^۳، ۲۰۰۷). رهبری سازمانی قوی و تغییر تدریجی فرهنگ سازمانی در دانشگاه یکی از راه‌هایی است که می‌تواند مدیریت را در پیشبرد فرایند بین المللی شدن دانشگاه یاری نماید. نشان دادن تعهد از سوی مدیران بالا به عنوان روش دوم مفید فایده خواهد بود. رهبران سازمانی باید کارکنان را نسبت به مزایای بین المللی شدن دانشگاه آگاه نمایند و تغییر فرهنگی، که اعضا را به سوی پیشبرد اهداف بین المللی نمودن دانشگاه رهنمون می‌شود تشویق نمایند (مک نیکل^۴، ۲۰۰۸). یکی از مشکلات سازمان‌های خدمات حرفه‌ای مانند

¹.Lynch

².Woodfield & Kennie

³.Marshall

⁴.McNicholl

دانشگاه‌ها، این است که برخی از سبک‌ها، و روش‌های مدیریت که ممکن است در برخی شرکت‌ها و سازمان‌ها مانند هتل‌ها، رستوران‌ها و یا دیگر شرکت‌هایی که بر پایه‌ی سود بنا شده‌اند بعید است که در دانشگاه‌ها متمرکز واقع گردد. در این نوع سازمان‌ها با تکیه بر مدیریت تغییر از بالا به پایین، تا حدودی اهداف سازمان تامین می‌گردد اما بعید است که این نوع سبک مدیریت در دانشگاه به عنوان یک محیط آکادمیک، که در آن استقلال حرفه‌ای توسط اعضا به عنوان یک مفهوم غالب قلمداد می‌گردد، موثر افتد (شاتوک^۱، ۲۰۱۰).

مضمون سازمان دهنده منابع انسانی شامل مضامین پایه: ۱- توسعه مهارت‌های و دانش کارکنان، ۲- توسعه سیاست‌های پاداش و ارتقاء برای تقویت اساتید و کارکنان ۳- توسعه فرهنگ بین‌المللی شدن در بین کارکنان جهت تسهیل فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه می‌باشد. بی میلی ظاهری کارکنان دانشگاه در فرایند بین‌المللی نمودن آن یک موضوع عمومی در ادبیات بین‌المللی شدن است (چایلدرس^۲، ۲۰۱۰) و نقش کارکنان در توسعه‌ی فرایند بین‌المللی شدن موسسات آموزش عالی توسط تحقیقات پژوهشگرانی چون بلیک^۳ (۲۰۰۴)، پل^۴ (۲۰۰۵)، مک نیکل^۵ (۲۰۰۸) و لیسک^۶ (۲۰۰۷) تایید شده است. مک نیکل و همکاران (۲۰۰۸) بر توسعه‌ی فرهنگ مناسب در سازمان و همچنین توسعه‌ی کارکنان تاکید دارند چرا که عقیده دارند کارکنان موتور محرکه‌ی فرایند بین‌المللی شدن به شمار می‌آیند. هنگامی که کارکنان نقش خود در فرایند بین‌المللی شدن را درک نمایند و همه بخش‌ها استراتژی بین‌المللی شدن را بفهمند، می‌توانند پیوند مطلوبتری با استراتژی‌های سازمان برقرار نموده و اهداف سازمان را از آن خود بدانند. در مقابل نبود فهم متقابل استراتژی‌ها از طرف بخش‌های مختلف در درون بخش‌ها و بین بخش‌ها باعث می‌گردد که تعدادی از بخش‌ها در جهت تحقق اهداف و استراتژیها فعالیت نمایند و دیگر بخش‌ها خود را قربانی استراتژی‌ها بدانند (کاپلان، ۲۰۰۵). مطابق مدل هفت اس مک کینزی (۱۹۷۰) ارزش‌های مشترک و همچنین فهم مشترک یکی از عوامل اصلی و مقدماتی در تغییر سازمانی است (پیتر و واترمن^۷،

1. Shattock

2. Leask

3. Black

4. Poole

5. McNicholl

6. Childress

7. Kaplan

۱۹۸۲؛ کاپلان^۱، ۲۰۰۵). بنابراین با توجه به دوره‌ی بلند مدت بین‌المللی شدن دانشگاه ضروری است که فرهنگ بین‌المللی شدن در دانشگاه به طور مستمر تشویق شده و جریان داشته باشد. چرا که بین‌المللی شدن یک پروژه‌ی طولانی مدت است و نیازمند سرمایه‌گذاری مالی، سرمایه‌گذاری زمانی، و تعهد همه عوامل از جمله کادر هیات علمی، کارکنان و حتی دانشجویان به تلاش در جهت پیشبرد اهداف فرایند است. مطابق نظر جونز و کلیک^۲ (۲۰۰۷) طرح‌های بین‌المللی مرتبط با کارکنان از جمله راه‌اندازی طرح‌های تبادل کارکنان، استخدام کارکنان با تجربه‌ی بین‌المللی، پاداش به کارکنانی که به توسعه‌ی روند بین‌المللی شدن دانشگاه یاری می‌رسانند و توسعه‌ی کارکنان به منظور کمک به آنها جهت انجام نقش خود به طور مناسب و مطلوب در راستای بین‌المللی شدن موسسه‌ی آموزش عالی خود می‌تواند اثر گذار باشد. چرا که درگیر کردن کارکنان در فرایند بین‌المللی نمودن دانشگاه، در بسیاری از موسسات آموزش عالی یک چالش است و پیشرفت در توسعه‌ی فرایند بین‌المللی شدن می‌تواند به دلیل نبود همکاری کارکنان به‌کندی پیش رود. همچنین مطابق پژوهش‌های کراسلینگ^۳ و همکاران (۲۰۰۸) از آنجایی که در فرایند بین‌المللی شدن کارکنان می‌باید که مهارت‌های جدیدی را فراگیرند و نقش‌های جدیدی را بپذیرند، به دلیل از دست دادن استقلال در حیطه‌ی وظایف خود، در برابر بین‌المللی شدن مقاومت می‌نمایند. بنا به نظر نایت (۱۹۹۴) در راستای بین‌المللی نمودن دانشگاه، قبل از اجرای استراتژی بین‌المللی شدن، حداقل ۱۵ درصد از کارکنان باید خود را متعهد به فرایند بدانند. در تلاش جهت درگیر نمودن کارکنان به فعالیت در راستای توسعه‌ی فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه چایلدرس (۲۰۱۰) پنج فعالیت عمده را تحت نام^۴ (5I) را نام می‌برد: توجه و تمرکز (بین‌المللی شدن اولویت دانشگاه باشد)، سرمایه‌گذاری، ارایه زیر ساخت‌های مناسب، شبکه‌های سازمانی، حمایت‌های فردی، چایلدرس (۲۰۱۰) پیشنهاد می‌کند که توسعه‌ی فرایند بین‌المللی شدن دست کم حمایت ۲۵ درصد از کارکنان دانشگاه را می‌طلبد.

مضمون سازمان دهنده کیفیت شامل مضامین پایه: ۱- توجه به فلسفه استقرار سیستم مدیریت کیفیت ۲- بهبود مداوم کیفیت خدمات (مدل‌های کیفیت)، ۳- برندسازی دانشگاه‌ها بود. این نتیجه

1. Peter & Waterman

2. Jones, E. & Killick

3. Crosling

4. Structure, Strategy, Systems, Staff Skills, Shared values.

با نتایج یافته‌های خراسانی و زمانی منش (۱۳۹۱) همخوان است. امروزه، بسیاری از سازمان های پیشرو به اهمیت نقش مشتری در کارآمد و اثربخش بودن کسب و کار خود پی برده اند. بر این اساس، مشتری محوری اصلی است که به طور روزمره در سازمان‌ها بدان توجه می شود، به گونه ای که هر روزه بر تعداد شرکت هایی که رضایت مشتری را به عنوان شاخص اصلی عملکرد خود انتخاب کرده اند، افزوده می شود. بنابراین توجه به ارتقای کیفیت خدمات آموزشی به طور مستمر امری ضروری به نظر می رسد. نبود استفاده از روش های علمی در ارزیابی و بهبود کیفیت خدمات آموزشی، بهره گیری نامناسب از سرمایه های فکری جامعه و سیاست گذاری ضعیف در امر آموزش را در پی خواهد داشت. ازسوی دیگر، خلق و نگهداری شهرت دانشگاه، یک شرط اساسی در موفقیت بلندمدت موسسه‌ی آموزشی محسوب می گردد. دانشگاه‌های برتر دانشگاه‌هایی هستند که شهرت بیشتری دارند. این موسسات، هسته‌ی اصلی فعالیت خود را در حفظ و نگهداری از شهرت موسسه‌ی خود می دانند چرا که شهرت موسسه عامل اصلی در جذب منابع مالی بیشتر، تحقیقات فزون تر، کارکنان و از همه مهم تر جذب دانشجویان بین المللی بیشتر است. وجهه‌ی بین المللی و شهرت دانشگاه به ارایه‌ی خدمات آموزشی و پژوهشی با کیفیت تاثیر مهمی بر تصمیم گیری دانشجویان، در انتخاب دانشگاه داشته و نیز نقش حیاتی در توسعه‌ی کارکنان دارد و به صورت غیر مستقیم نقش عمده ای در تعیین منابع مالی تحقیقاتی ایفا می نماید. با توجه به این که در حال حاضر کارفرمایان بین المللی در پی جذب دانش آموختگانی هستند که برای بازارهای جهانی تربیت شده اند، داوطلبین نیز در پی ورود به دانشگاه‌هایی هستند که در سطح بین المللی مطرح بوده و برنامه درسی شان پاسخ گوی نیازهای روز دنیا و جوامع میان فرهنگی باشد. اما یکی از مواردی که همواره باید مورد توجه مدیران در ارایه خدمات آموزشی باشد، ارایه‌ی قیمت عادلانه و متناسب با خدمات است. باید توجه نمود که قیمت کم تر خدمات (به عنوان نمونه شهریه) لزوماً به معنای ارایه‌ی یک ویژگی مثبت قلمداد نمی گردد و گاهی به همان مقدار که قیمت بالای خدمات می تواند آسیب پذیر باشد، ارایه خدمات با قیمت کمتر نیز می تواند آسیب به حساب آید (سو و الیوت^۱، ۲۰۰۸).

درارتباط با مولفه‌های آموزشی و پژوهشی نیز مولفه‌های سازمان دهنده زیر شناسایی گردید:

مضمون سازمان دهنده دانشجو شامل مضامین پایه: ۱- فعالیت‌های بین المللی دانشجویان، ۲- تبادل دانشجو با دانشگاه‌های سایر کشورها می باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های جکسون (۲۰۰۸)

¹.Soo & Elliott

همخوان است. یکی از مواردی که در بسیاری از ادبیات مرتبط با آموزش عالی فراملی مشاهده می‌گردد تبادل دانشجویان بین موسسات و دانشگاه‌های داخلی و موسسات آموزش عالی خارجی است. این مساله به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمد کشورهای چون استرالیا، کانادا، انگلستان و امریکا قلمداد می‌گردد و هر ساله تعداد بسیار زیادی از دانشجویان جهت ادامه تحصیل به موسسات آموزش عالی خارج از موطن خود نقل مکان می‌نمایند. بر اساس برآورد یونسکو تعداد دانشجویان بین المللی تا سال ۲۰۲۰ میلادی به رقم ۱۲۵ میلیون نفر خواهد رسید. لذا اکثر کشورها می‌کوشند تا با ارایه‌ی مطلوب‌ترین سطح امکانات و تجهیزات دانشجویان بیشتری را جذب نمایند چرا که جدای از منافع مادی سرشار این دانشجویان، هر یک از آنها بعد از عزیمت به کشور خود تا حدودی به عنوان سفیر سیستم آموزشی پیشین نقش ایفا می‌نمایند.

مضمون سازمان دهنده اساتید شامل مضامین پایه: ۱- تبادل استاد با دانشگاه‌های سایر کشورها، ۲- مشارکت در فعالیت‌های بین‌المللی بود. کارکنان دانشگاه و اعضاء هیات علمی به عنوان نیروی محرکه‌ی فرایند بین‌المللی شدن و عامل اصلی در موفقیت یا نبود موفقیت استراتژی‌های بین‌المللی شدن قلمداد می‌گردند که انجام مطلوب این نقش مستلزم توسعه آنها به منظور آگاهی از نقش پیش فرض‌های فرهنگی هر یک از آنها در توسعه یا نبود توسعه‌ی فرایند بین‌المللی شدن، اطمینان از اینکه آموزش صحیح به فراگیران ارایه می‌گردد، نقش آنها در ارایه‌ی برنامه درسی بین‌المللی، طراحی مناسب راهبردهای ارزیابی دانشجویان، فعالیت‌های مشترک پژوهشی در خارج از مرزهای ملی، مشارکت در برنامه‌های تبادل اساتید و حضور در کارگاه‌های مرتبط با زمینه آموزشی خود مشخص می‌گردد.

مضمون سازمان دهنده فرایند تدریس و یادگیری شامل مضامین پایه: ۱- ارائه برنامه‌های درس بین‌المللی، ۲- استفاده از شیوه‌های نوین یاددهی و یادگیری می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های هیلند و همکاران (۲۰۰۸)، خراسانی و زمانی منش (۱۳۹۱)، هادرز (۲۰۱۰)، اسکات (۱۹۹۲) و آگنر (۱۹۹۲) همخوان است. به نظر هیلند^۱ و همکاران (۲۰۰۸) دانشگاه‌هایی که مدعی بین‌المللی شدن هستند مسئولیت ایجاد فرصت‌های یادگیری بین فرهنگی و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های تجربه‌ی یادگیری بین‌المللی توسط دانشجویان را بر عهده دارند. این مساله باید به- وسیله‌ی توسعه‌ی برنامه‌ی درسی و طراحی دوره‌های مناسب فراهم گردد. در یک کلاس بین

¹.Hyland

المللی، اساتید باید یک محیط یادگیری پیچیده را مدیریت نموده و قادر به برقراری ارتباط بین دانشجویان با فرهنگ‌های مختلف و همچنین فهم فرهنگ خود و مفروضه‌های آن باشند. لذا نیاز است تا با ارایه‌ی آموزش‌های لازم، مهارت‌های مورد نیاز در این زمینه را فرا گیرند (لوکسونو همکاران^۱، ۲۰۰۹). در انجام مطلوب این مساله، تعهد اساتید و توسعه‌ی ایشان نقش اساسی را ایفا می‌نماید (چایلدرس، ۲۰۱۰). تلاش در جهت بین المللی نمودن برنامه‌ی درسی به دلیل توسعه‌ی رویکرد مشتری محور که در آن به کمک در جهت استخدام فارغ التحصیلان در زمینه‌های گوناگون، در دنیای متغیر و جهانی امروزی صورت می‌گیرد. لیسک (۲۰۱۱) بر توسعه‌ی تجارب کارکنان به عنوان یک پیش نیاز توسعه‌ی برنامه‌ی درسی و همچنین بین المللی نمودن آموزش و یادگیری تاکید دارند.

مضمون سازمان دهنده همکاری‌های بین المللی شامل مضامین پایه: ۱- شرکت دانشگاه در رویدادهای بین المللی، ۲- همکاری بین دانشگاهی می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های هراری (۱۹۸۹)، اسکات (۱۹۹۲) و جکسون (۲۰۰۸) همخوان است. یکی از مولفه‌های مهمی که امروزه می‌تواند به شکل روش مند و علمی، موجب نزدیکی عناصر مختلف تمدنی و فرهنگی شود، مبادلات بین دانشگاهی است. امروزه همکاری بین المللی دانشگاه‌ها دیگر یک انتخاب نیست می‌توان از آن به عنوان بخش تفکیک ناپذیر فرایند بین المللی شدن موسسات آموزشی نام برد. همکاری‌های علمی بین المللی از ابزارهای ضروری تفاهم فرهنگی و از عوامل اصلی رشد و توسعه‌ی آموزش مراکز آموزش عالی در هزاره‌ی سوم محسوب می‌گردد. با گسترش روزافزون مرزهای دانش و فناوری، دانشگاه‌ها به شکلی فعال در جستجوی همکاری با سایر نهادهای آموزشی و پژوهشی به منظور تحقق اهداف خاص خود هستند. دانشگاه‌ها در اثر نبود همکاری موثر با یکدیگر، همانند جزایری هستند که با یکدیگر تعامل ندارند. به همین دلیل است که این مراکز نمی‌توانند از ظرفیت‌های موجود یکدیگر بهره برداری کنند. بین المللی شدن آموزش عالی و گسترش مبادلات دانشگاهی باعث رشد اجتماعی دانشگاهیان می‌گردد؛ زیرا دامنه‌ی تجربه‌ی اجتماعی و دانش فرهنگی دانشجویان و دانشگاهیان از ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف افزایش می‌یابد، عقاید غالبی فرد شکسته می‌شود و چشم‌انداز وسیعتری از جامعه و فرد برای دانشجویان و دانشگاهیان به وجود می‌آید.

در موضوع مولفه‌های فرهنگی دو مضمون اصلی زیر شناسایی گردید: ۱- فهم فرهنگ ۲- شوک فرهنگ آموزشی. این نتیجه با یافته‌های پژوهش نورفیت و ویلکاکس (۱۹۹۲) همخوان است.

¹.Loxon

همانگونه که انسان واجد خودپنداشت فردی می‌شود، به تدریج واجد تصوراتی از جامعه و فرهنگی که در آن زیست می‌کند؛ می‌شود که می‌توان آن را خودپنداشت جمعی نامید. خودپنداشت فردی ناظر به هویت شخصی و خودپنداشت جمعی ناظر به هویت جمعی و یا ملی است. با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان بین‌المللی انگلیسی را به زبان اول یا به عنوان زبان دوم به کار می‌برند در این ارتباط با توجه به اینکه کارکنان آموزشی به این زبان مسلط نیستند از نظر آموزشی و فرهنگی با مشکلاتی مواجه اند. دانشجویانی که از دیگر کشورها به کشوری جهت تحصیل روی می‌آورند به دلیل تفاوت در سیستم‌های آموزشی و فرهنگی با مشکلاتی مواجه هستند. به طور کلی چالش‌های پیشروی این دانشجویان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

-چالش در انتقال فرهنگی و اجتماعی: فرهنگی جمع‌گرایانه در برابر فرهنگ فردگرایانه، الگوی ارتباطی بین افراد (میزان فاصله)، دوری از نبود اطمینان و قطعیت، تنهایی و مشکلات مربوط به زبان و حضور در شبکه‌های ارتباطی جمعیت چالش در فهم فرهنگ منطقه‌ای، مواجهه با تفاوت‌ها و پذیرش تغییر، مشکلات روان‌شناختی و مدیریت استرس

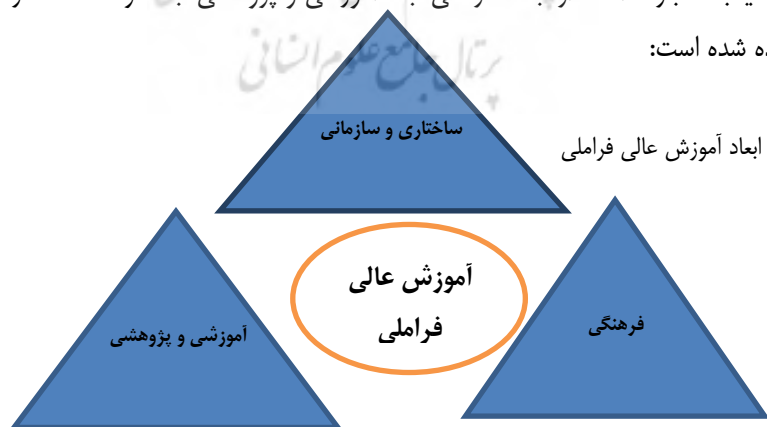
-شوک فرهنگی آموزشی از جمله: تفاوت‌های آموزشی و انتظارات علمی، خودکارآمدی، تسلط به زبان، اقلیت بودن در محیط دانشگاه. لی و دانمو^۱ (۲۰۰۹) انتقال علمی و شوک آموزشی را زیر مجموعه‌ای از شوک فرهنگی برمی‌شمارند که مستقیماً به محیط یادگیری در ارتباط با اساتید، شیوه‌های ارزیابی، نوع سیستم آموزشی، انتظارات علمی، بحث گروهی، مهارت تفکر انتقادی، استراتژی‌های یادگیری، خودکارآمدی، نبود تسلط به زبان و همراه است. لذا به همان اندازه که انتقال فرهنگی و اجتماعی مهم است، انتقال آموزشی نیز به جهت فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل دانش‌جویان بین‌المللی دارای اهمیت است. به عنوان مثال در بعضی از سیستم‌های آموزش، معلم نقش اصلی در انتقال دانش را برعهده دارد و آموزش به شیوه‌ی انتقال دانش به دانشجویان و از طریق شیوه‌ی سخنرانی اعمال می‌شود. ولی در برخی سیستم‌های آموزشی استاد و دانشجو در انتقال دانش با یکدیگر در تعاملند و تدریس یک تعامل دو جانبه بین معلم و دانشجو می‌باشد (دوویت^۲، ۲۰۱۰). دانشجویان خارجی به نسبت دانشجویان داخلی بیشتر احساس غم غربت و تنهایی می‌نمایند. دانشجویان خارجی به دلیل نبود آشنایی به زبان کشور مقصد و همچنین تفاوت فرهنگی،

^۱.Danmu

^۲.De wit

نبود آشنایی با دانشجویان محلی کمتر در فعالیتهای اجتماعی مشارکت می‌نمایند و لذا تنهایی بیشتری را تجربه می‌کنند.

بنا به نظر لیسک (۲۰۱۱) ناراحتی ناشی از تنهایی و تجربه‌ی انزوا در دانشجویان بین‌المللی باعث می‌گردد که آنها احساس خوبی نسبت به اقدامات دانشگاه در زمینه‌ی پذیرش، ثبت نام، زندگی در خوابگاه نداشته باشند و اقدامات دانشگاه در زمینه‌ی فراهم آوردن امکانات رفاه دانشجویان را ناچیز شمرند و این احساس در آنها ایجاد شود که چندان مورد توجه نیستند. بنابراین با توجه به چالش‌های موجود بسیاری از دانشجویان بین‌المللی شبکه‌های اجتماعی خود را راه اندازی می‌کنند که این مساله متأسفانه موجب این تصور از طرف دانشجویان بومی و دانشگاه ایجاد می‌نماید که دانشجویان بین‌المللی تمایلی به شرکت در فعالیتهای اجتماعی ندارند و شکاف موجود بین دانشجویان بین‌المللی و دانشگاه و دانشجویان بومی بیشتر می‌شود. تغییر محیط، چالش‌های زبان، فقدان آشنایی با فرهنگ میزبان، همچنین شکست یا مشکلات در شناختن محیط جدید به اندازه کافی در دانشجویان منجر به تولید استرس می‌گردد. به همان میزان در ارتباط با استراتژی‌های یادگیری بسیاری از دانشجویان به یادگرفتن طوطی وار عادت کرده اند و هنگام مواجهه با فرهنگ آموزشی که مشوق بحث گروهی، تعامل با همکلاسی‌ها، ارائه مقالات، ارائه سمینار هاست تا حدود زیادی با مشکل مواجه می‌گردند. به طور کلی بر طبق مطالعات صورت گرفته توسط محقق جهت پیشبرد و توسعه روند آموزش عالی فراملی می‌بایست که در سه زمینه تغییرات و راهبردهای لازم صورت گیرد که محقق از این سه زمینه تحت عنوان مثلث سه بعدی آموزش عالی یاد می‌نماید. این سه زمینه یا بعد عبارت است از: بعد سازمانی، بعد آموزشی و پژوهشی، بعد فرهنگ که در شکل (۱) نشان داده شده است:



آموزش عالی فراملی ابزاری مناسبی جهت آماده کردن دانشجویان برای نقش‌های آینده در اقتصاد جهانی شده و تربیت شهروند جهانی از طریق برنامه‌ی درسی بین‌المللی، بهبود محیط یادگیری، تشویق دانشجویان و کارکنان به توسعه‌ی طرز تفکر جهانی و همچنین عامل توسعه و تفاهم بین ملت‌ها می‌باشد. صرف داشتن دانشجویان بین‌المللی در موسسات آموزش عالی به این معنا نیست که دانشگاه‌ها بین‌المللی هستند و یا آموزش‌ها صورت بین‌المللی به خود گرفته است. بین‌المللی شدن باید در همه ارکان و اجزاء دانشگاه و همچنین محیطی که در آن دانشجویان به تحصیل می‌پردازند تجلی پیدا کند. این مساله نیازمند نگاهی دوباره به فرایندها، ایجاد زیر ساخت‌ها، تغییر در شیوه‌های مدیریتی مرسوم و اقبال به شیوه‌ی کارآمدتر مدیریتی و مدیریت استراتژیک است، چرا که فعالیت‌های سنتی مرسوم دیگر جوابگوی بقا موسسات آموزش عالی در عصر جدید نیست. شیوه‌های مدیریتی سنتی به دلیل نبود حمایت صریح و نیرومند از استراتژی‌های توسعه دانشگاه، تقابل استراتژی‌های جدید با فرهنگ و اخلاق سازمان، تحمیل استراتژی‌های جدید از بالا به پایین و همچنین نبود توجه به پیش‌نیازهای ضروری برای ایجاد تغییر با شکست مواجه می‌شد. از سوی دیگر آموزش عالی فراملی و بین‌المللی نمودن دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی فرایندی چند بعدی است که لازمه توسعه آن تغییر و گاهی تحول در زمینه‌های سازمانی، آموزشی و پژوهشی و فرهنگی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای اجرای راهبردهای آن است. با توجه به دوره‌ی بلند مدت بین‌المللی شدن دانشگاه ضروری است که فرهنگ بین‌المللی شدن در دانشگاه به طور مستمر تشویق شده و جریان داشته باشد. چرا که بین‌المللی شدن نیازمند سرمایه‌گذاری فرهنگی، مالی، زمانی و تعهد همه عوامل از جمله کادر هیات علمی، کارکنان و حتی دانشجویان به تلاش در جهت پیشبرد اهداف فرایند است. از سوی دیگر دانشگاه از جمله نهادهایی است که در آن فرهنگ تولید، بازتولید و نوسازی می‌شود و خود از آن تاثیر می‌پذیرد. با توجه به اینکه دانشجویان هم وطنی که در یک کشور بیگانه تحصیل می‌کنند معمولاً از نظر فرهنگ، زبان و مذهب و تنوع سنی یکی هستند بیشتر ترجیح می‌دهند در جمع دوستان هم وطن خود باشند، لازم است که مسئولان دانشگاه با ارایه تدابیری آنان را به تعامل با دیگر دانشجویان، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و همچنین روابط بین فرهنگی، همراه با حفظ و احترام به هویت فرهنگی ایشان وا دارند و زمینه‌ی لازم جهت حضور ایشان در تعاملات اجتماعی جمعی را فراهم آورند تا بدین طریق احساس غربت از ایشان دور گشته و هر چه بیشتر از یکدیگر شناخت پیدا کنند و از یکدیگر یاد بگیرند به عبارتی مسئولیت‌دانشگاه در این

موقعیت ایجاد شهروند جهانی از دانشجویانی است که قالب‌های فکری خاص خود را دارا می‌باشند. لذا با توجه به موارد مذکور پیشنهادات فوق جهت تسریع در روند گسترش آموزش عالی فراملی کشور ارایه می‌گردد:

- ۱) موانع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و موانع ناشی از خلا دانش موجود جهت تسریع در روند بین المللی شدن شناسایی گردد.
- ۲) دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به حضور دانشجویان بین المللی در کشور کم‌رنگ و شرایط جهت ایجاد محیط‌های بین المللی در درون موسسات آموزش عالی کشور فراهم آید (تاکید بر مهارت‌های گفتگو، تعامل، مدارا در برخورد با دانشجویان خارجی).
- ۳) انعطاف پذیری در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر (باید توجه داشت که این دانشجویان در فرهنگ‌های دیگر رشد کرده اند، پس باید پیشاپیش شرایط جامعه برای حضور آنها فراهم شود و دیدگاه‌های چند فرهنگی در جامعه گسترش یابد تا بتوان با این دانشجویان که در واقع هر کدام نمادی از فرهنگ متفاوت هستند، ارتباط درست و تأثیرگذار برقرار شود).
- ۴) فضای اجتماعی، جذابیت و برانگیزندگی لازم جهت حضور دانشجویان بین المللی را دارا باشد.
- ۵) سیستم‌های اطلاع رسانی به جهت آگاهی مردمان کشورهای دیگر با فرهنگ و تمدن ایرانی/ اسلامی و همچنین معرفی توانمندی‌های علمی دانشگاه‌ها به سایر کشورها فراهم گردد.
- ۶) با استفاده از سازوکارهای لازم، تفاوت‌های آموزشی، شیوه تعامل با اساتید، شیوه‌های ارزیابی، نوع سیستم آموزشی، انتظارات علمی، استراتژی‌های یادگیری و . . . به جهت فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل دانشجویان بین المللی در محیط دانشگاه به دانشجویان خارجی اطلاع رسانی گردد.
- ۷) کادر آموزشی نیاز دارد که یک محیط یادگیری چند فرهنگی را ایجاد نماید، آنها باید برنامه درسی را توسعه داده و تصور دانشجویان در ارتباط با نقش خود در زمینه مورد مطالعه شان را تغییر دهند و این مهم از طریق قرار دادن دانشجویان در گروه‌های چند فرهنگی و همچنین ارایه مسئولیت‌هایی که همکاری گروه‌های فرهنگی مختلفی را می‌طلبد فراهم می‌آید.
- ۸) وجهه بین المللی و شهرت دانشگاه به ارایه خدمات آموزشی و پژوهشی با کیفیت تأثیر مهمی بر تصمیم‌گیری دانشجویان، در انتخاب دانشگاه مورد نظر دارد.
- ۹) دولت و همچنین مدیران رده بالا از مأموریت‌های بین المللی حمایت لازم را به عمل آورده و به آن متعهد باشند.

- ۱۰) تاکید بر کیفیت در ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی در عرصه بین المللی (به جهت نبود کیفیت درخور مدارک تحصیلی دانشگاه‌های کشور در سایر کشورها رسمیت ندارند و این مساله موجب نبود استقبال دانشجویان و محققان بین المللی می‌گردد، لذا نیاز است که سیستم‌های ارزیابی و مکانیسم‌های کنترل کیفیت به طور مداوم خدمات ارائه شده را مورد ارزیابی و رصد قرار دهند).
- ۱۱) بین المللی شدن باید در همه برنامه‌ها و در تمام سطوح سازمان به طور یکپارچه پیگیری شود.
- ۱۲) شرایط ورود و خروج دانشجویان، اساتید و محققان بین المللی تسهیل و امکانات و تسهیلات لازم برای ایشان فراهم گردد.
- ۱۳) باز گذاشتن درب های آموزش عالی برای اجرایی کردن ایده های جدید بین المللی مطابق با خصوصیات کشور
- ۱۴) توجه به برنامه ریزی استراتژیک در آموزش عالی (تدوین چشم انداز و برنامه های راهبردی و برنامه های (بلند، میان و کوتاه مدت) و اجرایی کردن آنها)
- ۱۵) بازنگری در ساختار سازمانی دانشگاه و ایجاد واحدهای جدید از جمله واحدهای آموزش فراملی، مجازی، دانشجویان بین المللی، تبادل استاد و .
- ۱۶) سرمایه گذاری هدفمند و همچنین حمایت مالی مناسب از فرایند بین المللی شدن موسسات آموزش عالی کشور
- ۱۷) بازنگری مجدد منابع درسی و آماده سازی آنها مبتنی بر نیازهای روز کشور و جهان (ایجاد رشته های جدید و بازنگری در برنامه های درسی و لحاظ کردن محتوا و موضوعات بین المللی)
- ۱۸) تغییر نگرش اعضاء هیات علمی به استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش و یاددهی
- ۱۹) آماده سازی کتابخانه‌های دیجیتال و پایگاه‌های داده در دسترس
- ۲۰) توجه بیش از پیش به زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزش بین المللی
- ۲۱) تاکید بر آموزش دایمی و بهبود نیروی انسانی موسسات آموزش عالی
- ۲۲) بررسی بازارهای جهانی آموزش عالی جهت ایجاد شرایط مناسب پذیرش دانشجویان خارجی، اجرای پروژه‌های مشترک، تبادل تجربیات آموزشی و پژوهشی و نوآوری‌های علمی
- ۲۳) استفاده از مدل‌های آموزشی نوین به‌ویژه آموزش از راه دور
- ۲۴) توسعه برنامه‌ها و برگزاری کارگاه‌ها به جهت تغییر نگرش کارکنان و اعضاء هیات علمی جهت پذیرش نقش‌های جدید در فرایند بین المللی شدن دانشگاه
- ۲۵) تاکید بر توسعه‌ی روابط و مبادلات علمی در عرصه بین المللی (برگزاری دوره ها، همایش ها، کنگره ها، کنفرانس ها، مجلات و فصلنامه‌ها به صورت مشترک با دانشگاه‌های خارجی سطح بالا).

کتابنامه

بزرگمهری، مجید (۱۳۸۳). بین المللی شدن آموزش عالی، گزینه مناسب در قبال موج جهانی شدن، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار (جلد دوم). تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی.

خراسانی، اباصلت؛ زمانی منش، حامد (۱۳۹۱). راهبردهای موثر در بین المللی شدن دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ایران. فصلنامه راهبردهای آموزش، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۱۸۹-۱۸۳.

ذاکرسالحي، غلامرضا؛ صالحی نجف آبادی، مائده (۱۳۹۱). ارائه راهبردهایی برای جذب دانشجویان خارجی در ایران. مجله‌ی آموزش عالی، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۹۲-۶۵.

عصاره، علیرضا؛ خسروی نژاد، شهرزاد؛ الهام پور، حسین (۱۳۹۰). موانع بین المللی سازی برنامه های درسی دانشگاه های آزاد منطقه ۶ (استان خوزستان) از دیدگاه اعضای هیئت علمی این دانشگاهها. مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴، صص ۵۹-۳۱.

فتحی و اجارگاه، کورش؛ ابراهیم زاده، عیسی؛ فرج اللهی، مهران؛ خشنودی فر، مهرانوش (۱۳۹۱). بین المللی سازی برنامه ی درسی در نظام آموزش عالی ایران: چالشها و راهبردها. مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران، دوره ششم، شماره ۲، صص ۶۶-۴۵.

Bendriess, R. (2007). Internationalization Efforts on State Universities in Florida, Doctoral dissertation the University of central Florida.

Ayres, L. (2010). Thematic coding and analysis. In mills, A, J. & Europe's, G. & Wieb, E. (Eds). Encyclopedia of case study research, pp 867-868

Bond, S. (2006). Transforming the culture of learning: Evoking the international dimension in Canadian university curriculum. Paper presented at the Internationalizing Canada's Universities Symposium: Practices, Challenges, and Opportunities, York University.

Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, SAGE Publications, Inc.

Braun, V. and Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, 3 (2). pp. 77-101. ISSN 1478-0887 Available from: <http://eprints.uwe.ac.uk/11735>.

Brookfield, S. (2007). Diversifying curriculum as the practice of repressive tolerance, *Teaching in higher Education*, 12 (5-6), 557-568.

Bruce, R. G. (2009). Institutional Design and Internationalization of U. S. Postsecondary Education Institutions, Dissertation for the Degree Doctor of Philosophy, the Ohio State University.

Childress, L. K. (2010). Internationalization Plans for Higher Education Institutions. *Journal of Studies in International Education*, OnlineFirst, 1-21.

Crosling, G. Edwards. R. Schroder, B. (2008). Internationalizing the curriculum: the implementation experience in a Faculty of Business and Economics, *Journal of Higher Education Policy and Management*: 30, 2, 107-121.

De wit, H. (2002). "Internationalization of Higher Education in the United States and Europe a Historical, Comparative, and Conceptual Analysis". Westport, Connecticut and London: greenwood press.

De Wit, H. (2012). Assessing Internationalization of Degree Programs—a Dutch–Flemish Pilot [WWW document]. Inside Higher Ed. URL: <http://www.insidehighered.com/>.

De Wit, K. (2010). The Networked University: The structure, culture and policy of Universities in a changing environment, *Tertiary Education and Management* 16, 1, 1-14.

Huang B. & Lin, J. (2007) The management of internationalization in higher education: Theoretical, strategic and management perspectives, Continuum International Publishing Group, London, 97-107.

Hudzik, J. K. (2011). Comprehensive Internationalization From Concept to Action, NAFSA: Association of International Educators, Washington, D. C. PP. 1-42.

Hudzik, J. K. (2015). Comprehensive Internationalization: Institutional pathways to success, , London: Routledge.

Hyland, F. Trahar, S. Anderson J, Dickerson, A. (2008). A Changing World: the internationalisation experiences of staff and students (home and international) in UK Higher Education, available online at: <http://escalate.ac.uk/4967> (accessed 14/04/12)

Jones, E. & Killick D. (2007). Internationalising the curriculum, in Jones E and Brown S (eds) Internationalising Higher Education, Abingdon: Routledge

Kehm, B. M. , & Teichler, U. (2008). Research on internationalization in higher education. *Journal of Studies in International Education*, 11(3/4), 260–273.

Knight, J. (1997). Internationalization of higher education in Asia and Pacific countries, Amsterdam: European Association for international education.

Knight, J. (2008). Internationalization of higher education in the 21st century : Concepts, rationales, strategies and issues. Dlm. Sarjit, K. , Morshidi Sirat & Azman Norzaini (pnyt.). Globalisation and internationalisation of higher education in Malaysia, hlm. Pulau Pinang : Penerbit USM. pp: 22-50.

Knight, J. (2011). Five myths about internationalization, Strategic and Management Perspectives. Continuum, London.

Knight. J. (2006). Higher Education Crossing Borders: A Guide to the Implications of the General Agreement on Trade in Services (GATS) for Cross-border Education. A Report Prepared for the Commonwealth of Learning and UNESCO, UNESCO.

Peters, T. & Waterman, R. (1982). In Search of Excellence, London: Harper Collins

Kaplan, R. (2005). How the balanced scorecard complements the McKinsey 7s model, *Strategy and Leadership*, 33, 3, 41-46.

Leask, B. (2011). Assessment, learning, teaching and internationalisation – engaging for the future, *ALT Journal*, 11.

Li, G. , Chen. W. , & Danmu, J. (2009). Determinants of international students' academic performance: A comparison between Chinese and other international students. *Journal of studies in international education*, 14, 389 – 405. DOI: 10.1177/1028315309331490.

Luxon, T. & Peelo, M. (2009). Academic Sojourners, teaching and internationalisation: the experience of non-UK staff in a British University, *Teaching in Higher Education*, 14, 6, 649-659

Bozeman, L. (2009). Implementation and Collaboration in the United States-Brazil Higher Education Consortia Program, Doctoral dissertation, Boston College Lynch School of Education .

Lynch, R. (2009). *Strategic Management 5e*, Harlow: Pearson

Liotard, J. F (1984). *The postmodern condition: A report on knowledge*, University of Minnesota Press.

Maringe, F. , Foskett, N. (2010). Globalization and Internationalization in Higher Education: Theoretical. *International Higher Education* 62, 14–15.

Marshall, S. (2007). *Strategic Leadership of Change in Higher Education, What's new?* Abingdon: Routledge.

McNicholl, Y. (2008). Enhancing faculty culture to meet student needs: internationalising the curriculum. Paper presented at Australian Universities Quality Agency Conference, Canberra July.

Poole, M. (2005). Intercultural dialogue in action within the University context: A case study, *Higher Education Policy*, 18, 429-435.

Black, K. (2004). A Review of Factors which contribute to the Internationalisation of a programme of study, *Journal of Hospitality, Leisure, Sports and Tourism Education*, 3, 1 5-18.

Qiang, Z. (2003). Internationalization of higher education: Towards a conceptual framework. *PolicyFutures in Education*, 1(2): 248-270.

Redden, E. (2011). "The end of internationalization"?[WWW document]. Inside Higher Ed. URL:http://www.insidehighered.com/news/2011/06/03/international_educators_debate_the_why_behind_their_profession (accessed 10. 16. 14).

Robson, S. (2011). Internationalization: A transformative agenda for higher education? *Teachers and Teaching: Theory and Practice*, 17(6), 619-630.

Scott, D. K. (1992). Genraleducationfor an integrative Age, *Higher education Policy*, 15,pp. 7-18.

Scott, S. (1998). *The Globalization of Higher Education*. Maidenhead: Open University Press.

Seddoh, K. F. (2002). Internationalization in higher education: policy& practice, paper presented at the international conference on internationalization of higher education, Lyon, France, April 12-13.

Shantti, R. (2010). Internationalization efforts among Malaysian private universities: An empirical evaluation, Ph. D. dissertation, Department of Economics and Administration, University of Malaya.

Shattock, M. (2010). *Managing Successful Universities 2e*, Maidenhead: Open University Press.

Siah, F. (2009). Internationalization of Higher education in Iran: An interpretive casestudy of perceptions of a selected group of university professors, Doctoral dissertation, university of Hawaii at Manoa.

Sleuthing, G. (2012). The business of education: Improving international student learning experiences in Malaysia. *World Journal of Social Sciences* 2(6): 179-199.

Smith, M. (2013). Matching International Enthusiasm With Diversity Commitment. *Journal of College Admission* (Winter). 16-21.

Soo, K & Elliott, C. (2008). Does price matter? Overseas Students in UK Higher Education, Lancaster University Management School Working Paper.

Taylor, J. (2004). Toward a Strategy for Internationalization: Lessons and Practice From Four Universities, *Journal of Studies in International Education*, Vol. 8, No. 2, pp. 149-171.

Taylor, J. (2010). The management of internationalization in higher education. *Globalization and internationalisation in higher education: Theoretical, strategic and management perspectives*. London: Continuum International Publishing Group. pp: 97-107.

Teichler, U. (2004). The Changing Debate on Internationalization of Higher Education, *Journal of Higher Education*, Vol. 48, pp. 5–26.

Tierney, W. G. (1998). Organizational culture in higher education: Defining the essentials, " *The Journal of Higher Education*, 59(1). 2-21.

Vaira, M. (2004). "Globalization a higher education organizational change: A frame work for analysis in higher education," *Studies in International Education*, 11 (2). 180-192.

Woodfield, S & Kennie, T. (2007). Top team structures in UK Higher Education institutions: composition, challenges and changes, *Tertiary Education and Management* 13, 4, 331-348.